

# بغرافیای انسانی و ارتباط آن با بغرافیای کهن و پیوند لباس در زمانهای باستان

فرشاد فرشید راد



مجسمه برنزی متعلق به ۲۰۰ سال قبل از میلاد\_ یونان باستان

سفید و قلابدوزی شده بود. عامه بازاریان و طبقه متوسط، این عمامه را بر سر می گذاشتند. عمامه دیگر سمندر لهب با قلابدوزی و دارای ریشه و منگوله بود که اصطلاحاً به این منگوله‌ها، شرابه می گفتند، این عمامه شبیه آنچه تجار هندی بر سر می گذارند، بوده است. این عمامه با زمینه سفید به تجار و اشخاص معتبر و متمول، تعلق داشته است.

هروقت در مورد لباس مردم ایران گوید: لباس توده مردم ایران عبارت است از روپوش دولایی که تا وسط ساق پا میرسد و تکه ایی پارچه که به دور سر میبندند.

در مورد چادر نیز پلوتارک مورخ یونانی در مورد شرایط ایران در زمان هخامنشیان می نویسد که «هر گاه لازم است زنان ایران از خانه خارج

شوند و به سفر روند، درون چادرهای در بسته‌ای می نشینند و چادر را بر روی گردونه‌ای قرار می دهند و حمل می نمایند. « احمد کسروی نتیجه می گیرد که استفاده از چنین چادری ویژه توانگران بوده و افراد عادی جهت رفت و آمد مشابه کوچکتر آن را بر سر می گرفته اند و به تدریج ظاهر آن تغییر کرده و به صورت امروز در آمده ولی نام چادر همچنان بر آن باقی مانده است.

شاید پوشش چادر برای بانوان ایرانی تنها نوعی عفاف و حجاب و یا دور ماندن از گزندهای اجتماعی و عدم امنیت آنروزگاران نبوده است. بلکه چادر با توجه به امکان پوشش سریع سر تا پا لباسی برای دور ماندن از آلودگیهای محیطی نیز بوده است. مثلاً محافظت از گرد و خاک راههای مالرو و خاکی آنروزها و همچنین مکانهای آلوده دیگری مانند آشپزخانه های دود زا که با آتش هیزم پخت و پز میکردند و با توجه به اینکه حمام همیشه در خانه ها نبوده این نوع پوشش به نظافت لباس و روی و موی آنان کمک میکرده است. قابل ذکر اینکه چادر تنها لباس پوشش سریع است که بدون تغییر لباس زیر میتوان در تابستان از نوع نازک و در زمستان از نوع ضخیم آن استفاده کرد.



دستار و چادر آنگونه که میپنداریم لباس عربی نیستند همانگونه که میدانید این نوع پوششها در بیشتر روستاها و شهرهای ایرانی رواج داشته اند مانند آنکه هنوز روستاییان خراسان دستارهای سفیدی بر سر میبندد.

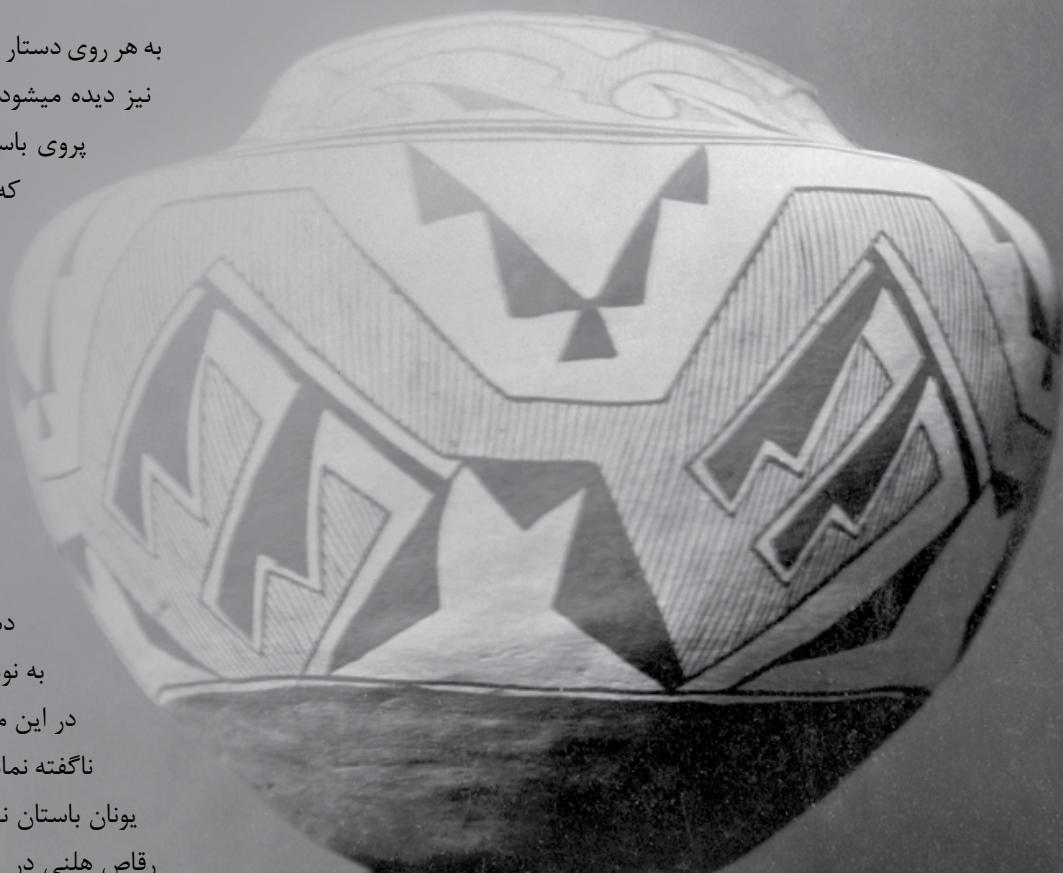
تا امروز در تاجیکستان، افغانستان و هرات و هندوستان این نوع لباس به گونه های متفاوت دیده میشود. تصاویر و نقاشیهای ایرانی خصوصا در مینیاتورهای قدیمی دانشمندان و بزرگان ایرانی را با پوشش دستار نشان داده است. در نقاشیهای کتاب تنگ لوشا که احتمال میدهند از روی نقاشیهای مانوی کپی برداری شده باشند مردان با پوشش دستار ترسیم شده اند. همچنین در دیوار نگاره های پنج کنت بخارا در تاجیکستان که به قبل از اسلام تعلق دارد مردان با پوشش دستار نشان داده شده اند.

در تمامی زبانهای از ریشه لاتین و یونانی عمامه را «توربان» (Turban) می نامند که از زبان فارسی برگرفته شده. فرهنگ دهخدا آورده: «دول بند» دستار و عمامه را گویند که توربان متداول در فرانسه به معنی عمامه مأخوذ از کلمه دولبند فارسی است. «دول بند» یا «دولبند» (Dolband) در زبانها غربی تبدیل به توربان گشته است. (اما به نظر نگارنده دولبند باید دوربند بوده باشد که به مرور به ل تبدیل شده است مانند همان یار اوستایی و یل و ایل ترکی به معنی سال که در واژه های توئل به معنی سال نو و یلدا به معنی سالروز دیده میشود)

جاحظ، نیز در آثارش عمامه را بررسی کرده و نوع عمامه هر کسی را وابسته به موقعیت اجتماعی او بیان کرده. جاحظ این تقسیم بندی را به تفصیل بیان کرده و گفته خلیفه‌ها یک نوع خاصی عمامه دارند و فقیهان را شکل مخصوصی است و بقالها و بدویها و صحراگردان و جنگجویان و دیگر طبقات هر یک عمامه‌شان به شکل ویژه‌ای می باشد.

در میان بازاریان ایران در دوره‌های پیشین، عمامه‌ها نیز انواعی داشته، عمامه شیر و شکری که زرد و

به هر روی دستار و چادر حتی در آمریکای باستان  
نیز دیده میشود در شهر باستانی تاهوناواکو در  
پروی باستانی مجسمه هایی یافت شده  
که در سر دستار داشته اند و  
جالب اینجاست که برخی  
لباسهای کهن ایرانی مانند:  
لباده، سرداری، کلاه نمدی،  
دستار و حتی چادرهای  
مشکی در میان قبایل مختلف  
بومی آمریکا دیده میشود.  
سرخپوستان موسوم به زونی تا  
همین امروز از پوشش چادر و  
دستار استفاده میکنند که خود  
به نوعی شاید تاثیر فرهنگ ایرانی را  
در این مناطق نشان میدهد.  
ناگفته نماند که چادر پوششی است که در  
یونان باستان نیز دیده شده و مجسمه معروف  
رقاص هلنی در ۲۱۰۰ سال پیش با چادر کامل  
و حجاب ایرانی ساخته شده است. . .





در شاهنامه از پوشش چادر در میان بانوان ایرانی ذکری در میان است مانند زمانی که شیرین به دیدار شیرویه فرزند خسرو می‌رود با پوشش چادر ظاهر می‌شود.

بگفت این و بگشاد چادر ز روی / همه روی ماه و همه پشت موی

واژه چادر نیز مانند دستار ایرانی است در معنی چادر به نظر می‌رسد این واژه از شادورد به معنی سایبان باشد که به معنی تخت سایبان دار و تخت شاهان هم آمده است این واژه در شاد روان به کسر دال و سکون را معنی طلایه دار چادر و خیمه شاهان است. در دوره قاجار این تعبیر تغییر یافت و به آن افتاب گردان شاهی می‌گفتند. واژه shade در انگلیسی به معنی سایه و shader به معنی سایبان نیز می‌تواند گونه‌هایی تبدیل این واژگان در انگلیسی باشند. در زبان اوستایی ریشه چا معنای پوشش و پنهانی می‌دهد، به نظر می‌آید این ریشه با تَرِ پسوند فاعل ساز ساخته شده و امروز معنای اسمی به خود گرفته: چاتَر، چاتَر، چادَر . . . !؟